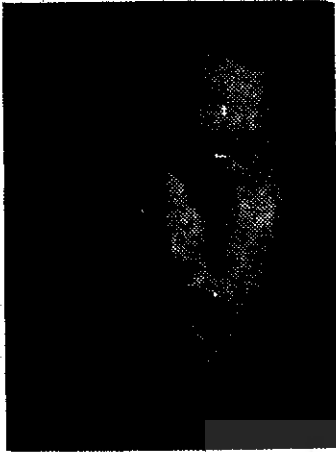


شعر جهان

- دو شعر از کیتارو
- دو شعر از نسا جوره‌یوا



● کیتارو

کیتارو (ماسانوری تاکاهاشی) در ۱۹۵۳ در توپوهاشی ژاپن زاده شد و اکنون، یکی از چند چهره شاخص موسیقی الکترونیک در دنیاست. او با ساختن موسیقی متن مجموعه مستند - تاریخی «جاده ابریشم» (۱۹۸۰) به شهرت جهانی دست یافت که در ایران نیز، اولین بار، با پخش همین مجموعه و بعدها، با انتشار تعدادی از آلبوم‌هایش (جاده ابریشم، تنکو، ماندالا، بهشت و زمین ده سال با کیتارو، و دنیای موسیقی) تا حدی شناخته شده است.

کیتارو رویکردی صوفیانه به موسیقی دارد. به نظر او، موسیقی کامل با طبیعت هماهنگ است و خودش نیز، غالب اوقات در طبیعت زندگی می‌کند. طبیعت ستایی کیتارو، بی‌گمان، از سنت دیرینه طبیعت‌گرایی شاعران و هنرمندان ژاپنی و نیز، از آیین بودایی زن آب می‌خورد؛ دیدگاهی که در شعرهای او هم حضوری بسیار چشمگیر دارد.

«هر سال، در ماه اوت، وقتی ماه شب چهارده در آسمان پیدا می‌شود، بالای کوه فوجی می‌روم و مراسمی به نام آیین طبل انجام می‌دهم. در این آیین که از شامگاهان تا طلوع خورشید ادامه می‌یابد، با نواختن طبل و ادایکوه احساسات شخصی‌ام را به زمین منتقل می‌کنم و زمین را سپاس می‌گذارم.»

## پیام اصوات

پیامی با اصوات

به آسمان می فرستم:

فضای تهی را در میان می گیرد

از فراز ستیغ کوه ها

از فراسوی امواج اقیانوس ها

بال و پر می گیرد تا به کوه های آند برسد

و سبکی لانه، تا کوه های پنال.

هنگام که اصوات جاری اند، بهوش باش.

هنگام که وزش باد را حس می کنی، گوش بسیار

طبیعت یا عشق در آمیخته است؛

روز به روز جذبه ای آشکار می سازد.

سیارات آهنگی زمزمه می کنند؛

حشرات نغمه خود را می نوازند؛

نور به دنبال باد پرواز می کند.

اکنون صوت را دریاب... نور را احساس کن؛

با سرشار شدن از جادوی چیزهایی که در زندگی است.

بینادلان به اشارت ظریف جهان

پاسخ می گویند، و رویاهایشان را می سازند؛

رویاهایی که سراسر دنیا را فرا می گیرد.

مردم هماهنگی های عشق را می ستایند، بی هیچ کلامی.

این آغاز راه است.

در پیوند با رویا

با شور دل بی تاب

در صلح و آرامش، تو تنها نیازمند آوازی.

این آواز برای توست.

## روح بزرگ

همه چیزهای زنده به روح بزرگ پیوسته‌اند  
روح بزرگ در همه چیزهای زنده جاری‌ست

در درخت

گل

آب

زمین

باد... در همه چیز

روح بزرگ گاهی بی‌پیرایه است

و گاهی آرامش بخش

تمامی حیات را در بر می‌گیرد

روح بزرگ هر جا باشد

سرچشمه نوری شفاف و لطیف است

ما در آن نور یکی می‌شویم

گویی در آغوش گرم مادرمان جای گرفته‌ایم

مانند کودکان زمین با هم زندگی می‌کنیم

بی هیچ حسی از گذشت زمان

بی هیچ فرجام...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی